

معرفی زینب بیگم و مدرسه و مسجد

موقوفه وی



عفت خوشنودی^۱

چکیده:

طبق اسناد و مدارک موجود آثار موقوفه در عصر ایران اسلامی، بیشترین موقوفات مربوط به دوره صفویان می باشد چرا که پایتخت این دولت در شهر اصفهان واقع گردیده بود و بالطبع بیشترین آثار موقوفه این عصر در شهر تاریخی اصفهان قرار گرفته است و جالب توجه این که از میان این آثار موقوفه، حدود یک سوم آن متعلق به زنان است که این مطلب مشارکت گسترده زنان در امور خیر و عام المنفعه را نشان می دهد. یکی از این زنان خیر، زینب بیگم می باشد. این بانوی واقف با کمک همسر خود بخشی از اموال و دارایی های خود را به ساخت مدرسه و مسجد و کمک به ایتمام و نیازمندان اختصاص داد.

در این مقاله ضمن معرفی این بانوی خیر، به بیان دو موقوفه ایشان که جزء آثار تاریخی اصفهان می باشد، خواهیم پرداخت.

کلید واژه ها:

موقوفات، وقفنامه، زینب بیگم، مدرسه نیم آورد، مسجد نیم آورد.

مقدمه

از نظر محققان میان پایگاه اجتماعی و بالطبع توان مالی زنان واقف و توجه به وقف اموال خود رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. هم‌چنین زنان واقف در نوع وقف و توجه به امر وقف همان سیاست حاکم بر کل جامعه را دنبال کرده‌اند. به دیگر سخن، زنان علی‌رغم دور بودن از فعالیت‌های اجتماعی، خود را جدا از جامعه ندانسته و در امور عام‌المنفعه مشارکت فعال داشتند و این مسئله خود‌گویای آشنایی زنان با سیاست‌های روز جامعه و احساس مسئولیت برای پیشبرد این سیاست‌ها بوده است.

به عنوان مثال از میان ۵۹ وقفنامه موجود در اداره کل اوقاف اصفهان، که به دوره صفویه تعلق دارد تعداد ۱۷ وقفنامه از بانوان این شهر باقی مانده است، یعنی در واقع واقف ۲۹٪ موقوفات اصفهان در دوره صفویه بانوان هستند. این رقم بسیار قابل توجه است چرا که نزدیک به یک سوم کل موقوفات را شامل می‌شود و این آمار

نشان دهنده کثرت مشارکت زنان در امور خیریه می‌باشد و از آنجا که دولت صفوی یک دولت شیعی محسوب می‌گردید، لذا به منظور گسترش دین مبین اسلام و جهت ترویج آیین تشیع اثنی عشری، اهتمام ویژه‌ای به ساخت مراکز دینی داشت و شاید به همین دلیل بوده که بیشترین موقوفات زنان این دوره به ساخت مدرسه و مسجد اختصاص داده می‌شد. که یکی از این زنان واقف آن دوره «زینب بیگم اردستانی» بوده است. این بانوی خیر به کمک همسر خود به ساخت و وقف مدرسه و مسجدی در محله نیم آورد اصفهان همت گماشت که از آن زمان تاکنون منشأ خیرات و برکات زیادی برای مردم گردید و اکنون هم جزء آثار تاریخی اصفهان به شمار می‌آیند.

زینب بیگم اردستانی

زینب بیگم متولد سال ۱۱۱۷ هجری قمری است. همسر او امیر محمد مهدی حکیم‌الملک اردستانی از پزشکان معروف بود. حکیم‌الملک به



سرمدرسه نیاورد (زینب بیگم)

این نهادهای علمی مذهبی در طول دوران باعث رشد استعدادهای بسیار درخشان در علوم اسلامی گردیدند؛ از جمله طلاب مدرسه نیم آورد می توان به میرزا بدیع درب امامی، آیت الله شیخ عبدالکریم جزئی، آیت الله العظمی آقا سید محمد باقر درچه‌ای، آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی و استاد جلال الدین همایی اشاره نمود.^۴

همراه زینب بیگم به هندوستان رفت و یکی از دختران اورنگ زیب پادشاه بابری را که پزشکان از معالجه‌اش درمانده بودند را درمان کرد و انعام زیادی دریافت کرد.^۲

آن دو سپس به اصفهان آمدند و زینب بیگم با قسمتی از پول آن مسجد و مدرسه‌ای به نام خود در محله نیم‌آورد اصفهان ساخت و معادل آن املاک و مستغلاتی خرید و وقف آنها نمود.^۳

مدرسه زینب بیگم یا نیم آورد

این مدرسه در محله نیم آورد که نم آورد هم گفته می‌شود در خیابان عبدالرزاق و در بازار بزرگ و داخل بازار نیم آورد، پنج پله پائین‌تر از سطح بازار قرار گرفته است. محله نیم آورد از محلات قدیمی اصفهان به شمار می‌آید که گاهی نام آن را «نام آور» یا «نم آورد» نیز می‌گویند. «نیم آور» در زبان طبری به معنای کماندار و نگهدار کمان است. احتمال داده می‌شود که محله نیم آورد مرکز قوای نظامی و پادگان کمانداران دیلمی بوده است. این محله در اواسط قرن ششم محل زندگی بزرگان شهر بوده است.

تاریخ بنای مدرسه به علت نداشتن کتیبه تاریخی، روشن نیست. البته به نقل از آقای عطاء الله جدلی فرزند میرزا محمد علی متولی مدرسه، تاریخ وقفنامه مدرسه سال ۱۱۱۱ هجری قمری می‌باشد.

ویژگی های بنایی مدرسه:

مدرسه دو طبقه دارد و دارای دو

ایوان برای نماز و تدریس می‌باشد و در روبروی در ورودی نیز مدرسی است که در آن تدریس می‌شود. چهار باغچه برای گلکاری و درختکاری دارد و در وسط مدرسه حوضی بزرگ ساخته شده که مورد استفاده است. چهار سمت مدرسه بالا و پایین مشتمل بر ۶۱ حجره و یک مدرس و دو ایوان می‌باشد.

مدرسه تزیینات کاشی کاری و گچ‌بری فراوان دارد و نکته قابل توجه این که هنرمندان به وسیله گچ‌های رنگارنگ، نوع مخصوصی معرق ترتیب داده‌اند که در سایر بناها وجود ندارد.

کتیبه اطراف سردر مدرسه به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی مشتمل بر سوره اخلاص و آیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسراء است و پایان کتیبه چنین است: «و قال سبحانه حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی قوموا لله قانتین و قال رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم لوان الغیاض اقلام و البحر مداد و الارض قرطاس و الجن حساب و الانس کتاب

ما احصوا فضائل علی بن ابیطالب
سنه ۱۳۴۹».

این کتیبه به اهتمام مرحوم سید
عبدالعلی عقدایی که نایب‌التولیه بوده،
نوشته شده است و از کتیبه‌های دوره
پهلوی بوده است.

خطوط بنایی سردر مدرسه مشتمل
بر آیاتی از قرآن و برخی احادیث
است. خطوط بنایی درون مدرسه و
اطراف صحن، معرق و مشکی بر زمینه
آجری و مشتمل بر سوره‌های واقعه و

اخلاص می‌باشد و در واقع تزیینات
مدرسه را تشکیل می‌دهند.

در زیر طاق‌های گچ‌بری مدخل
مدرسه به خط نستعلیق مشکی،
اشعاری گچ‌بری شده است که به شرح
زیر می‌باشد:

احمد که شه سریر لولاک آمد
جانی است کز آرایش تن پاک آمد
یک حرف ز مجموعه قدر و شرفش
لولاک لما خلقت الا فلاک آمد
و در ایوان شرقی چنین نوشته شده



نمای داخلی مدرسه نیاورد (زینب یکم)



نمای داخلی مدرسه نیاورد (زینب بیگم)

است: ۱۰۵ موجود است، سوادى است که در سال ۱۳۴۹ هجری قمری تهیه شده است. محل سجع مهرها در بالا و حاشیه‌های اطراف متن اصلی، دقیقاً بازنویسی گردیده است و نیز چند تن بر مطابقت این سواد با نسخه سواد اول، گواهی داده‌اند. این مهرها برخی متعلق به شاهد‌های وقفنامه اصلی است و پاره‌ای مربوط به افرادی است که مطابقت سواد اول را با نسخه اصلی

دریای سپهر کافتاب است کفش نبود چو علی گوهری اندر صدفش خورشید گهی بدر شود گاه هلال گر عکس دهد به ماه در نجفش

ویژگی‌های وقفنامه مدرسه نیم‌آورد

آنچه در قسمت بایگانی اداره کل اوقاف اصفهان تحت عنوان وقفنامه مدرسه نیم‌آورد، به شماره بایگانی

گواهی داده‌اند.

نظارت مدرسه نیز به عهده «علامی فهامی علامه العلمایی مجتهد الزمانی آقای قوام شیخ محمد جعفر»^۷ سپرده شده است و پس از او به آقای «محمد حسین فرزند شیخ محمد جعفر» و بعد از او به فرزند ارشد او به همین ترتیب تا نسل او باقی است و در صورت انقراض نسل آن‌ها، امر نظارت به عهده «اولاد ذکور علامه العلمایی مجتهد الزمانی آقای آقا جمال‌الدین محمد خوانساری»^۸ گذاشته شده است.^۹

متن وقفنامه مدرسه نیم آور

هو الواقف علی الضمائر

بسم الله الرحمن الرحيم

صدر دیوان فصاحت بنیان سخنوری و عنوان نامه بلاغت نشان، عبارت گستری وقف بالانشین شاهد، حمد و سپاس عالم آرایی است که به شنگرف کاری قدرت بالغه و معماری حکمت سایغه، مدرسه معموره جهان را از بنای حکمت اساس زمین و آسمان دو مرتبه ساخته، مرتبه فوقانیه را مسکن اشراقیان عالم بالا و مرتبه تحتانیه را مأوای

سواد مزبور بر روی کاغذی زرد رنگ است که هر دو روی کاغذ نسخه برداری شده است. البته متن وقفنامه در یک روی کاغذ و در پشت آن فهرست و شرح رقبات وقفی است. تاریخ تنظیم اصل وقفنامه سال ۱۱۱۳ ه. ق است و واقف آن «زینب بیگم» همسر محمد مهدی حکیم‌الملک اردستانی است.^۵

مجری صیغه وقف مرحوم آقا جمال خوانساری بوده است که علاوه بر این سمت، نظارت بر وقف در خانواده برای او تعیین شده است و تولیت به میرزا رشید که با واقفه نسبت خانوادگی داشته و گذار و بعد از او در اولادش به شرایطی داده شده است و در هر حال، ملاک تولیت اصلحیت بوده است. ولی بعد از مدتی تولیت از خانواده میرزا رشید خارج و در خانواده مرحوم میرزا محمد علی متولی (متوفی ۱۳۴۰ ه. ق) قرار گرفته و تا پیش از تصدی اوقاف هلال‌الدین جدلی، فرزند آن مرحوم، متولی بود.^۶

مشائیان بسیط غربا نموده که در کتب علوم، شناسایی لوازم اجتهاد تمام لازم شناسند و چاره سازی لطف بلیغ و به حاجب نوازی احسان بی دریغ، حاصل مزارع دایره افلاک و محصول اراضی عامره کره خاک را وقف تعیش جهانیان کرده، فراخور قابلیت و استعداد وظیفه یومیه در وجه احتیاج هر کدام مقرر فرموده که در تحصیل معرفت و دانایی وظایف سعی و اهتمام واجب می دانند. حکیمی که به استدعای غایت لم یزلی از نگارش اوراق مجموعه حواس در خلوت دیده، دریافت هر کس از افراد ناس، کتابخانه آراسته که به تعلیم عقل و شعور از روی آئینه حقیقت نمای بر ورق استعلام صورت حقایق انور نموده و در تحقیق فرایض علوم عذر نیاورند، حکیمی که به اقتضای حکمت ازلی در هر عصری از اعصار به جهت تدریس مدرس گیتی، یکی از انبیای عظام - علیهم السلام - کتابی ناطق و منطقی موافق فرستاده که در افاده علم الهی و افاضه اصول دین خود کماهی نسبت به هر کدام کارگزار

کوشش و مالا کلام کرده تعطیل احدی از متکلمان طاعت اندیش در تحصیل شعائر کیش و آیین خویش روا ندارند؛ واقف السرائری که به عین عنایت شامله از بحار قلوب دریادلان جهان به ازای سرانجام صدقات جاریه مایه دار چشمه روان ساخته که ابدالآباد گلشن آرای اهل خراب حالان بی برگ و نوا تواند بود؛ عالم الضمائر که به دست مرحمت کامله در سراچه صدور توانگران صاحب جاه از دل روشن (و) روان آگاه خاطر افروز، چراغ افروخته که تا صبح روز حساب رهنمائیت عمل صالح و عزیمت کردار خیر و ثواب تواند بود، منعمی که در بحر بی کنار توانش کشتی امید مفلسان چون ماهی فلس در پرسیم و زر است و در کنار جویبار لطف و عطای بی زوالش نهال در عالم آرزوی تهی دستان به یک آب خوردن بارو؛ منزه ذاتش از چند و چه و چون «تعالی شأنه عما یقولون» و نایب الصداره حمد سپاس جهان آفرین، نعمت و درود بی قیاس رسول اعجاز قرینی است و علمای امتش در هر

مرتبه که انبیای بنی اسرائیلند و احادیث تمام حکمتش نازل منزله تنزیل عقل کل، که صدر نشین مسند تعلیم کروییان ملاً اعلیٰ به خروکش^{۱۰} مدرس افادتش معروف و لوح محفوظ که دفتر دانش منشیان لقمان بالاست و بر سر لوح کتاب تمام اجزای معرفتش موصوف، مسند آریان صوامع ملکوت همگی به استادیش قائل و حجره نشینان مدارس افلاک با همه جبروت تمامی برکت شاگردیش کامل، سلسله مبادی عالیه، با آنکه مقدمات علم و دانش منتهی اند نسبت به مراتب فضل بی متهایش در مرتبه مبتدی و زمره عقول مقدسه، اگر چه در مراتب عقل و بینش علم الله، نظر به نسخه معارف خاطر حق ناظر والایش معترف به کور سوادى، امید گاهی که در مجموعه آیات رسالتش خاتمی پرنقش طراز این نگین رسالت علامت انگشتر، زنهار است که دست مرحمت آمرزگاری منت به جهات دست آویز در خواست خطای تمام است در انگشت ثواب قرین شفاعتش کرده، پشت و پناهی که بر شانه مبارکش

نقش مهر نبوت^{۱۱} نشانه نقطه انتخابی است که در دیوان انبیایی مرسل، قلم فیض نگار خدای عزوجل بر صفحه نبوتش گذاشته، والا مرتبتی که شجره طوبی درجه سیادت از گلستان جاه و جلال آن شاخی است و مرتبه رفیعه «انا مدینه العلم» از شهرستان فضل و کمالش کاخی رفیع منزلت که بر آستان خلد برین در بسته وقف مخلد بر هواخواهان سعادت قرین اوست و تولیت آن حسب الاقتضای لطف خواص واقف ازلی مخصوص به آن پیشوای فضل و احسان لم یزلی و اهل بیت عصمت آئین او خصوصاً جامع علوم اولین و آخرین، واقف حکم سابقین و لاحقین، صدر نشین ارتضا و طغرا، طراز مثال لازم للامثال، علی مرتضی که به دربانی مرتبه علم و حکمت ابواب علوم و حکم نا متناهی بر روی ارباب معرفت و آگاهی گشوده و در میان اولیای دولت قاهره خلافت الهی، بعد از جانب اقدس رسالت پناهی به منصب والای صدارت منفرد و ممتاز بوده، چمن آرایبی که به کاوش

ذوالفقار دو پیکرش گلشن همیشه بهار شریعت غرای نبوی را آبی بر روی کار آمده (از خس و خار) ستیزه بیگانه پاک شده، راهنمایی که به ناخدایی معلم هدایتش کشتی به چهار موجه افتاده خلافت، بعد از غرق شدن فرعون آل محمد و تابعان به آب زنده‌اش از دریای فتنه‌زای ۱۲ خلافت سالما غانما به کنار آمده، علیه و علیهم صلوات الله العلیم، بذات الصدور الواقف علی کل مکنون و مستور مادامت حجرات الافلاک دائره و مدارس العالم موجوده و العلماء عن دراسته عامره، بلبل خوشنوی قلم بر شاخسار نبوت، صاحب رقم به گلبانگ بلند به آهنگ طرب فزای خاطر پسند، نغمه سرای این زمزمه دلاویز و نواسنج همین ترانه شوق انگیز است که جمیع طوائف ما به شکر لازمه... ۱۳ هر یک نعم نهمار^{۱۴}، سرای گلشن نعمای الهی و رونق افزای چمن خوش آب و هوای دولت و صاحب جاهی نکردند از لقای آن نعمت خداداد کامران و دوام دولت همیشه مراد بهره‌مند و شادمان شوند و چون به اقتضای مقدمه مقوله

بر هر یک از سرمایه‌داران مواهب، از سرمایه‌داران مواهب ایزدی از هر صنف و مقوله واجب و لازم است که موافق مقتضای مرتبه خویش، قیام به وظایف شکرگزاری بیش از پیش نموده، شمه‌ای از لوازم آن را نامرعی نگذارند. بنابراین چون علیا حضرت، سامی رتبت، فاطمه طینت، سیادت و نجابت و عفت و عصمت و طهارت پناه خدارت و نزهت و نظافت دستگاه اسوه‌المخدرات المستورات و خلاصه المکرّمات الصالحات زینب بیگم - دامت خدارتها -، حلّیله جلیله، عالی حضرت سیادت و نجابت و مرحمت پناه حکیم الملک غفرله حضرت قدس منزلت، ملکی خصلت، حمیده طینت نجابت و رفعت و معالی پناه فضیلت و صلاحیت و مکرمت دستگاه امانت و دیانت نباهت انتباه قطب السالکین اسرة العارفین هادی مکارم الاخلاق و فضائل الشیم^{۱۵} بین الانام طائف البيت و الرکن و المقام شمساً للنجابة و الفضیلة و المکرمة و المجد و العز حاجی محمد رشیدای اردستانی -

دامت برکاته - را وکیل نموده بود که مدرسه‌ای در دارالسلطنه اصفهان حفت بالعافیة و الأمن و الامان احداث نماید و املاک به جهت مصالح وقف مدرسه مزبوره خریداری نموده وقف نماید به شروطی که خود مصلحت داند و قدری زر به حاجی مشار الیه داده بود که به آن، قیام به امور مزبور نماید و حاجی مشار الیه مدرسه معینه در محله نیم‌آورد من محلات اصفهان احداث و قدری املاک نیز خریداری نموده و چون وجهی که علیا حضرت مشار الیها به او داده بود وفا ننمود، از مال خود قدری اضافه بر آن نموده، مدرسه مزبور و املاکی که در ذیل مفصل است تمام را ابتیاع نموده، حاضر شد حضرت حاجی مشار الیه و قربه الی الله و طلبا لمرضاته:

قریه حواکان ماریین، سه حبه و نیم. قریه...^{۱۶} نیم طاق.

قریه قاسم آباد جرقویه، دو طاق.

قریه ماران ماریین یک درب باغ...^{۱۷}

کارخانه دو شاب پزی.

تیمچه در جنب مدرسه مذکوره

بالتمام.

دکاکین معینه جنب مدرسه مذکوره هشت باب.

خانه معینه در جنبه مدرسه مذکوره که ساخته...^{۱۸} یک باب.

ایضا زمین ساده معینه معلومه واقعه در قریه ماران مزبور محدود به حدود تملک حاجی برخوردار و به باغ مرحوم حاجی محمد حسین و به ملک محمد باقر دادن ماریین بالتمام.

وقف مخلد شرعی و حبس مؤید دینی نمود مدرسه مزبوره و املاک مذکوره را به هر طلبه علوم دینیه اثنی عشریه، وقفاً، صحیحاً، شرعياً و تولیت مدرسه و املاک مزبوره را مفوض ساخت و به حضرت گرامی منزلت، قدسی خصلت، نجابت رفعت و معالی پناه، فضیلت و محمدمت و مکرمت دستگاه امانت و دیانت و صلاحیت انتباه، حاوی فضائل الادب، جامع مکارم الاخلاق فی کل باب سلاله النجبایی، مستغنی الالقب نظاما للنجابه و الفضیلة و الکریم آقای محمد مهدی ولد ارجمند صلبی خود و بعد از او

به اکبر اولاد مذکور او که موصوف به صلاح باشد و بعد از او به اکبر اولاد او ذکورا به شرط مزبور و هكذا بطن بعد بطن و اگر از اکبر اولاد او، اولاد ذکوری مخلف نشود، به اکبر بعد از او، در جمیع طبقات و بطون خواهد بود و اگر العیاذ بالله اولاد ذکور منقرض شوند، نوبت تولیت با اکبر ذکور اولاد اناث او خواهد بود به شرط صلاح، به شرحی که در اولاد ذکور مذکور شد و اگر اولاد ذکور و اناث منقرض شوند تولیت مذکور متعلق خواهد بود به شخصی که موصوف به صلاح باشد از اقربای حاج مشار الیه و با تعداد ایشان، به مختار از قرعه شرعیه و هكذا «الی ان یرث الله الارض و من علیها»، و نظارت مدرسه مزبوره و املاک مذکوره را مفوض ساخت به عالی حضرت سامی رتبت، رفیع مرتبت، قدسی فطرف، قدوس سمت، والاربتت، افادت و افاضت و هدایت پناه، فضیلت و عدالت دستگاه، حقایق و معارف و غوامض آگاه مخدوم الافاضل و الاکارم، مطاع الافاحم و

الاعاظم، قدوة الفضلاء و المتبحرین، عمدة الفقهاء المسلمین ملاذ القضاة و المتشرعین، معاد الصلحاء و المتورعین، استظهار اخیار المؤمنین، اعتضاد احرار المؤمنین، العابدین و الساجدین، مجمع مکارم، نشأة الدنیا و الدین، شیخ الاسلام و المسلمین علامی فهامی علامة العلمایی، مجتهد الزمانی آقای قواما شیخ محمد جعفرآ - دامت برکات اضافات - وجوده بقاء السموات و الارضین - و بعد از ایشان به حضرت ستوده سمت فضیلت و افادت و افاضت پناه حقانیت و محمدمت و کمالات دستگاه نتیجه، اعاظم الفضلاء الکرام کمالا للفضیله و الافاده و الافاضه آقای محمد حسینا نجل عالی حضرت سابق الذکر و بعد از او به اکبر اولاد او به شرح فوق و بعد از ایشان به اکبر اولاد ذکور دیگر عالی حضرت سابق الاقاب به شرح مذکور و اگر العیاذ بالله بالکله اولاد ذکور عالی حضرت سابق الذکر منقرض باشد، امر نظارت مذکور متعلق باشد به اولاد ذکور عالی جناب، معلی القاب، مبادی آداب، جامع مقاصد عقلیه

و نقلیه، حاوی مطالب اصلیه و فرعیه، کشف مغلفات مسائل دینیه، نقاد مشکلات دلایل ایمانیه، قدوه علمای دین مبین، زبده فضلالی شرع متین علامه العلماء فی الآفاق، ملجاء اصناف البرایا بالاستحقاق، علامی فهامی، علامه العلمایی، مجتهد الزمانی آقای آقا جمال الدین محمد خوانساری - ادام الله تعالی اضلال^{۱۹} افاضته - علی رؤوس العالمین. و ضمن العقد شرط شرعی نمود. بعد از رفع محصول تمامت مستغلات و وضع حقوق دیوانی به هر اسم و رسم که واقع نموده و تعمیر املاک و مدرسه یک شعبه باقی متعلق به عالی حضرت ناظر و یک شعبه دیگر متعلق به متولی و بعد از آن به هر یک از سکنه مدرسه مزبوره و خدمه طلبه و مؤذن هر قدری مصلحت دانند بدهند و چراغ مقرر نمایند که در مسجد و دالانها و بیت الخلاء روشن کنند و بوریا به جهت مسجد مقرر دارند و گاو و آبکش و سایر آن چه متولی و عالی حضرت ناظر، مناسب دانند به عمل آورده و خود را معاف ندارند و در

حین صیغه شرط شد که اختیار مدرس با علیا حضرت، مشار الیها باشد به هر نحو که مصلحت دانند و اگر او تعیین نکند، اختیار تدریس با متولی و عالی حضرت ناظر باشد و هر چیز مصلحت دانند حق التدریس مقرر کنند و صیغه شرعی و شروط مزبوره جاری و واقع و مدرسه و املاک مذکوره را به تصرف وقف داد. «فمن بدله بعد ما سمعه فانما ان الله سمیع علیم»^{۲۰} و کان ذلک فی شهر شوال المکرم من شهور سنه ثلاثه عشر و مائة بعد الالف^{۲۱} من الهجرة النبویه.^{۲۲}

موقوفات مدرسه:

و اما موقوفات مدرسه و ترتیب آن چنین است که بانیه نامبرده به وکیل خود میرزا رشید که از منسوبانش نیز بوده دستور می دهد که مدرسه ای در محله نیم آورد اصفهان بنا نماید و چون از ساختمان مدرسه که ظاهراً سال (۱۱۱۱ هـ. ق) بوده فراغت حاصل می شود سفارش می دهد که رقباتی را در اصفهان و اردستان خریداری کرده و

وقف بر مدرسه و طلاب آن نماید و در همان سال رقباتی را به شرح زیر وقف بر آن می‌کند:

۱. دویست و ده سرجه مجری المیاه به انضمام املاک تابعه آن از محله فهره اردستان.

۲. هفتاد گرداب آب با املاک تابعه آن از محله باب الریحی اردستان.

۳. نمود و دو سرجه آب و املاک تابعه آن واقع در محله رامیان اردستان.

۴. نیم طاق آب و املاک تابعه آن در محله کبودان اردستان.^{۲۳}

۵. چند مغازه در بازار نیم آورد اصفهان.

این مدرسه پیوسته در زمان رواج بازار علم در اصفهان مرکز بزرگان، علماء و طلاب بوده و نامدارانی چون حاج میرزا بدیع هرنندی و حاج ملا حسن دری و حجت الاسلام سید محمد باقر درچه‌ای و برادرش سید مهدی درچه‌ای و آخوند ملا عبدالکریم جزئی از آنجا برخاسته‌اند و معلوم می‌گردد که بانی آن از روی اخلاص به ساختن مدرسه مزبور پرداخته است.^{۲۴}

این نهاد آموزشی اکنون نیز جزء مدارس فعال حوزه علمیه اصفهان می‌باشد که علاوه بر سکونت عده قابل توجهی از طلاب، مجالس درس و بحث در علوم انسانی و فقه شیعه نیز در آن برقرار است.^{۲۵}

مساحت این مدرسه ۴۵×۴۵ ذرع مربع و دارای ۶۱ حجره و ۷۰ سکنه می‌باشد.^{۲۶} در جایی دیگر ذکر شده است که مساحت این مدرسه دو جریب است.^{۲۷}

مسجد زینب بیگم یا نیم آورد

این مسجد از مجموعه بناهایی است که توسط زینب بیگم اردستانی در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی ایجاد شده است.

مسجد نیم آورد، در محله نیم آورد اصفهان در خیابان عبدالرزاق و در بازار بزرگ قرار گرفته است.

این مسجد به شکل مربع است و حوضی هشت ضلعی در وسط آن نمایان است. این مسجد فاقد گنبد بوده و شبستان آن بازسازی شده است، ولی



سرد مسجد نیاورد (زینب یکم)

آثار آجرکاری‌ها و گچ‌بری‌های زیبای آن هنوز پابرجاست. بالای صحن مسجد را به کمک میله‌های آهنی، شیروانی نموده‌اند. مساحت مسجد حدود ۲۰۰ مترمربع، با طول ۲۰ و عرض ۱۰ متر است.^{۲۸} این بنای عظیم هم اکنون جزء آثار تاریخی اصفهان محسوب شده و



صحن مسجد نیاورد (زینب یکم)

نمازهای یومیه هم در این مکان برگزار می‌گردد.

متأسفانه از وقفنامه و میزان موقوفات این مسجد اطلاعاتی به دست نیامد. لازم به ذکر است که نویسنده کتاب "آتشکده اردستان" به موقوفه دیگری از این بانو اشاره نموده و می‌نویسد: «وقف دیگری هم زینب بیگم در اردستان کرده که عوائد آن صرف زوار عتبات عالیات باید گردد و تولید آن را مانند خود حکیم‌الملک در خانواده ذکوری که از بطن نوه دختری او بوده‌اند قرار داده است.»^{۲۹}

نتیجه گیری

از میان تعداد کثیری از واقفان عصر صفویه که بیشترین موقوفات عصر اسلامی در ایران را به خود اختصاص داده‌اند، توجه و اهمیت دادن زنان به امر وقف حائز اهمیت است. چنانچه بیش از یک سوم موقوفات این دوره متعلق به بانوان اصفهانی می‌باشد که این امر نشان دهنده علاقه و توجه بسیار زنان پایتخت به مسائل اجتماعی

و فرهنگی و مذهبی زمان خود بوده تا آنجا که با وقف کردن بخش زیادی از اموال و دارایی‌های خود برای امور فرهنگی، مذهبی و کارهای عام‌المنفعه بر روند اجرای این امر خداپسندانه تأثیر می‌گذاشتند و با این نگرش، منشا خیرات و برکات بسیاری در جهت ترویج و گسترش دین مبین اسلام و تربیت و پرورش عالمان و دانشمندان بسیاری می‌گردیدند؛ همچون زینب بیگم اردستانی که این بانوی خیر با وقف مقدار قابل توجهی از اموال و دارایی‌های خود در جهت ساخت مدرسه و مسجد و تأمین مخارج آن؛ نقش بسزایی در رفع نیازهای مردم و ضروریات جامعه عصر خود و همچنین اعتلای دین مبین اسلام و گسترش فرهنگ تشیع ایفا نمود.

پی نوشت ها

۱. محقق و نویسنده، کارشناس ارشد معارف نهج البلاغه.
۲. مشاهیر زنان اصفهان (از عصر گذشته تاکنون)، ص ۱۹۲.
۳. زنان نامی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۷۵۳.
۴. مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی (از آغاز تا مشروطه)، ص ۱۱۵.
۵. تاریخ اصفهان و ری، ص ۶۰۷.
۶. آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۶۳۶.
۷. گویا محمد جعفر قاضی فرزند عبدالله بن هویزی اصفهانی است که وی قاضی اصفهان و سپس شیخ الاسلام اصفهان گردید. وی از شاگردان آقا حسین خوانساری و داماد و شاگرد محقق سبزواری است. (طبقات اعلام الشیعه، ص ۱۳۹ و ۱۴۰).
۸. آقا جمال خوانساری فرزند آقا حسین خوانساری از عالمان برجسته دوره صفوی است که "جمال محققین" نیز نامیده می‌شد. وی از نزدیکان دولت صفوی و از فقیهان و مترجمان مشهور این دوره است. از وی آثار بی‌شماری یاد شده که در میان آن‌ها ترجمه و شرح غررالحکم و دررالکلم است. شرح حال مفصل و آثار او را شیخ آقا بزرگ در الذریعه آورده است. وی در سال ۱۱۲۱ درگذشت. (طبقات اعلام الشیعه، صص ۱۴۶-۱۴۸).
۹. مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه (در باب اوقاف صفوی و حواشی آن)، ص ۹۰.
۱۰. چنین است در اصل، شاید به خروشش!
۱۱. اشاره به نشانی است که بر بازوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.
۱۲. در اصل پسوند زای دو بار نوشته شده است.
۱۳. یک کلمه ناخوانا.
۱۴. به معنی: فراوان (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه نهمار).
۱۵. به معنی: خلق‌ها، خوی‌های نیک، جمع شیمه (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه شیم).
۱۶. یک کلمه ناخوانا.
۱۷. یک کلمه ناخوانا.
۱۸. یک کلمه ناخوانا.
۱۹. به معنی: سایه‌ها (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه ظل).
۲۰. سوره بقره، آیه ۱۸۲.
۲۱. شوال ۱۱۱۳ هجری قمری.
۲۲. مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه (در باب اوقاف صفوی و حواشی آن)، صص ۱۲۱-۱۲۷.
۲۳. آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۶۳۵.
۲۴. آثار ملی اصفهان، ص ۵۰۴.
۲۵. مشاهیر زنان اصفهان، ص ۱۹۳.

۲۶. الاصفهان، ص ۱۰۹.

۲۷. تاریخ اصفهان، ص ۱۴۱.

۲۸. بازار بزرگ اصفهان، ص ۶۴۲.

۲۹. آتشکده اردستان، ج ۳، ص ۶۳۶.

منابع:

فهرست کتب:

۱. آثار ملی اصفهان، ابوالقاسم رفیعی
مهرآبادی، انجمن آثار ملی، تهران
(۱۳۵۲ش).

۲. آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، لطف
الله هنرفر، گلها، اصفهان (۱۳۷۶ش).

۳. اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی،
محمد رضا شایسته و منصور قاسمی،
نقش خورشید، اصفهان (۱۳۸۳ش).

۴. اصفهان دارالعلم شرق (مدارس دینی
اصفهان)، سید مصلح الدین مهدوی،
(تحقیق، تصحیح و اضافات: محمد رضا
نیلفروشان)، سازمان فرهنگی تفریحی
شهرداری اصفهان، اصفهان (۱۳۸۶ش).

۵. اصفهان زادگاه جمال و کمال، نعمت الله
میرعظیمی، گلها، اصفهان (۱۳۷۹ش).

۶. بازار بزرگ اصفهان، سیروس شفق،
سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری
اصفهان و مرکز اصفهان شناسی خانه
ملل، اصفهان (۱۳۸۵ش).

۷. تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات و
آثار باستانی، ج ۳)، جلال الدین همایی
شیرازی، هما، اصفهان (۱۳۸۴ش).

۸. تاریخ اصفهان، حاج میرزا حسن
خان جابری انصاری، (تعلیق و
تصحیح: جمشید مظاهری)، مشعل،
تهران (۱۳۷۸ش).

۹. تاریخ اصفهان و ری، محمد حسن

- جابری انصاری، عماد زاده، تهران (۱۳۴۶ش).
۱۰. تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سپنتا، اداره کل اوقاف استان اصفهان، اصفهان (۱۳۴۶ش).
۱۱. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان (جلد دوم)، سید مصلح الدین مهدوی، الهدایه، قم (۱۳۶۷ش).
۱۲. تذکره القبور یا بزرگان و دانشمندان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، تقفی، اصفهان (۱۳۴۸ش).
۱۳. تذکره شعرای معاصر اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، کتابفروشی تأیید، اصفهان (۱۳۳۴ش).
۱۴. خاندان شیخ الاسلام اصفهان (از عصر صفویه تا دوران معاصر)، سید مصلح الدین مهدوی، گل بهار، اصفهان (۱۳۷۱ش).
۱۵. دانشمندان و بزرگان اصفهان (۲ جلد)، سید مصلح الدین مهدوی، (تحقیق، تصحیح و اضافات: رحیم قاسمی و محمدرضا نیلفروشان)، گلدسته، اصفهان (۱۳۸۴ش).
۱۶. ذکر اخبار اصفهان، حافظ ابونعیم، (ترجمه: دکتر نورالله کسائی)، سروش، تهران (۱۳۷۷ش).
۱۷. ذکر اخبار اصفهان (۲ جلد)، ابونعیم اصفهانی، (تحقیق: سید حسن کسروی)، دارالکتب العلمیه، بیروت (۱۴۱۰ق).
۱۸. رجال و مشاهیر اصفهان، میر سید علی جناب، (تدوین و تصحیح: رضوان پور عصار)، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان (۱۳۸۵ش).
۱۹. ره آورد ایام (مجموعه مقالات اصفهان شناسی)، محمد حسین ریاحی، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان (۱۳۸۵ش).
۲۰. زن از کتیبه تا تاریخ (دانشنامه زنان فرهنگ ساز ایران و جهان)، ۲ جلد، پوران فرخ زاد، زریاب، تهران (۱۳۷۸ش).
۲۱. زنان دانشمند و روای حدیث، احمد صادقی اردستانی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم (۱۳۸۵ش).
۲۲. زنان نامی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (طبقات نسوان)، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی و حبیبه عقیقی بخشایشی، نوید اسلام، قم (۱۳۸۲ش).
۲۳. طبقات اعلام الشیعه، شیخ آقا بزرگ طهرانی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، بی تا.
۲۴. فرهنگ زنان پژوهشگر در علوم انسانی، رویا صدر، برگه زیتون، تهران (۱۳۷۷ش).
۲۵. کارنامه زنان کارای ایران از دیروز

تا امروز، پوران فرخ زاد، قطره، تهران (۱۳۸۱ش).

۲۶. کتابشناسی اصفهان، سید مهدی سجادی نائینی، سازمان میراث فرهنگی اصفهان، اصفهان (۱۳۷۰ش).

۲۷. مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه (جلد ۱)، مرتضی دهقان نژاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان (۱۳۸۰ش).

۲۸. مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، اصغر منتظر القائم، دانشگاه اصفهان، اصفهان (۱۳۸۲ش).

۲۹. مزارات اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، (تصحیح و تعلیق: دکتر اصغر منتظر القائم)، دانشگاه اصفهان، اصفهان (۱۳۸۲ش).

۳۰. مشاهیر زنان اصفهان (از عصر گذشته تاکنون)، محمدحسین ریاحی، روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد استان اصفهان، اصفهان (۱۳۷۵ش).

۳۱. مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی (از آغاز تا مشروطه)، محمد حسن رجبی، سروش، تهران (۱۳۷۴ش).

فهرست مجلات:

۳۲. فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی میراث جاویدان، سازمان اوقاف و امور خیریه، سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۸.

۳۳. فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی میراث جاویدان، سازمان اوقاف و امور خیریه، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۷۹.